



تأثیر محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

محمد حیدری^۱

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

دکتر علی اصغر طاهرآبادی^۲

گروه حسابداری، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران

دکتر بابک جمشیدی نوید^۳

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

دکتر مهرداد قنبری^۴

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۴ بهمن ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۳۹۸)

هدف این پژوهش بررسی تأثیر عوامل محیطی بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها است. عوامل محیطی در این پژوهش شامل وجود بازار سرمایه، رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی، سطح آموزش و شاخص‌های فرهنگی از قبیل فاصله قدرت، فردگرایی، مردگرایی و اجتناب از عدم اطمینان است. نمونه پژوهش شامل ۹۳ کشور در مقطع زمانی ۲۰۱۶ بوده و داده‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک دوجمله‌ای تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در کشورهایی که دارای بازار سرمایه و نظام حقوقی عرفی و همچنین کشورهایی که سطح آموزش و شاخص فاصله قدرت در آنها بالا و رشد اقتصادی و شاخص‌های فرهنگی فردگرایی و اجتناب از اطمینان پایین می‌باشد؛ تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد. همچنین متغیر باز بودن اقتصاد و شاخص مردگرایی تأثیر معناداری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از خود نشان ندادند.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی، شاخص‌های فرهنگی.

¹ heydari.hiau@gmail.com

² taherabady@yahoo.com

³ jamshidinavid@gmail.com

⁴ mehrdadghanbary@yahoo.com

مقدمه

با بهبود سریع ارتباطات و همچنین از بین رفتن مرزهای اقتصادی، شرکت‌ها فعالیت‌هایشان را به صورت معاملات دوجانبه در عرصه بین‌المللی با یکدیگر انجام می‌دهند و بسیاری از شرکت‌ها علاوه بر بورس اوراق بهادار کشور خود، در یک یا چند بورس اوراق بهادار خارجی نیز پذیرفته شده‌اند [۸]. در شرایطی که اقتصاد جهانی به سوی یکپارچگی و هماهنگی حرکت می‌کند، از حرفه حسابداری انتظار می‌رود اقدامات ضروری برای طراحی استانداردهای حسابداری بین‌المللی گسترش دهد. اخیراً، تمرکز اصلی حرفه حسابداری بر پیاده‌سازی یک مجموعه از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد. فرآیند همگرایی دارای موافقین و مخالفین می‌باشد. مواردی از مخالفت‌ها با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر سر این موضوع است که در گسترش جهانی‌سازی بازارها و خطی‌سازی‌های حسابداری، به تفاوت‌های نهادی، قانونی و فرهنگی بین ملت‌ها کمتر توجه می‌شود؛ برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در یک کشور، باید دلایل اقتصادی و سیاسی آن وجود داشته باشد [۱].

با توجه به مطالب قبلی، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است؛ آیا وجود الگوهای مختلف پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای مختلف جهان با ویژگی‌های محیطی کشورها از جمله سامانه‌های حقوقی، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورها ارتباط دارد؟ پژوهش حاضر سعی دارد با پاسخ به این سؤال، علاوه بر مشارکت در ادبیات حسابداری از لحاظ نظری، باعث افزایش شناخت نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری ملی و بین‌المللی از عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در جهت تسریع فرآیند همگرایی بین‌المللی حسابداری باشد. در ادامه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش پژوهش، مدل پژوهش و متغیرهای آن، تجزیه و تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری بحث شده است.

مبانی نظری پژوهش

بررسی مبانی نظری مرتبط با موضوع، بیانگر وجود عوامل متعدد در شکل‌گیری الگوهای گوناگون پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها می‌باشد که در ادامه شش متغیر اصلی بر اساس فراوانی استفاده و وجود اطلاعات در دسترس به شرح ذیل شناسایی شدند:

وجود بازار سرمایه: در میان کشورهای مختلف تأمین مالی شرکت‌ها عمدتاً از سه منبع: بانک، دولت و سهامداران انجام می‌گردد. در کشورهایی که سهامداران منبع اصلی تأمین مالی شرکت‌ها می‌باشند، سیستم حسابداری گرایش به تأمین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران انفرادی باهدف کمک به خرید-فروش سهام پیدا می‌کند. از آنجایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارای رویکرد بازار محوری می‌باشد لذا مهم‌ترین هدف آن ارائه اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاران خارجی (سهامداران) می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد کشورهای دارای بازار سرمایه تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خواهند داشت.

رشد اقتصادی: در کشورهایی که سطح رشد اقتصادی نسبتاً بالا می‌باشد، عملکرد اجتماعی حسابداری به‌عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری و تسهیل ارتباطات از اهمیت زیادی برخوردار است. در شرایطی که فعالیت‌های اقتصادی و تجاری به درجه‌ای از پیچیدگی بالا می‌رسد، به یک سیستم حسابداری باکیفیت، پیچیده و استاندارد نیاز می‌باشد [۱۲]. لذا به نظر می‌رسد کشورهای دارای رشد اقتصادی بالا تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خواهند دارند.

اقتصاد باز: اقتصاد باز، اقتصادی است که دارای مناسبات تجاری نسبتاً گسترده با سایر کشورها است [۱۰]. در اقتصاد باز، محیط سرمایه‌گذاری می‌بایست جهت سرمایه‌گذاری‌های خارجی جذاب باشد که لازمه چنین محیطی، وجود چارچوب گزارشگری مالی خوب جهت ارائه اطلاعات باکیفیت و قابل‌مقایسه می‌باشد. دیموهمکاران معتقدند در کشورهایی که به لحاظ شاخص اقتصاد باز در سطح بالا می‌باشد، تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد [۱۴].

نظام حقوقی: در جهان دو نوع نظام حقوقی اصلی وجود دارد: نظام حقوقی مدون و نظام حقوقی عرفی. لاپورتا و همکاران معتقدند بین نظام حقوقی و حمایت از سهامداران و توسعه بازارهای مالی ارتباط مستقیمی وجود دارد [۱۹]. در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی عدم تقارن اطلاعاتی به‌وسیله افشا بیشتر اطلاعات به سهامداران از بین می‌رود درحالی‌که در کشورهای دارای نظام حقوقی مدون افشا اطلاعات عمدتاً از طریق شبکه‌های خصوصی صورت می‌گیرد. سطح توسعه اقتصادی در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی بیشتر بوده و میزان حمایت از سرمایه‌گذار در این کشورها بیشتر است. همچنین، استانداردهای حسابداری در این کشورها شفاف‌تر است و به دلیل سطح بالای حمایت از سرمایه‌گذاران و بازارهای مالی توسعه‌یافته استانداردهای حسابداری به‌نگام تری دارند [۱]. لذا در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی استانداردهای حسابداری متمایل به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد و این کشورها تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند.

سطح آموزش: به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به افراد متخصص نیاز دارد که بستگی به فراهم نمودن فرصت آموزش کافی و مرتبط برای افراد دارد. ضمناً علاوه بر حسابداران و حسابرسان باید مدرسین، نهادهای تدوین‌کننده مقررات و استفاده‌کنندگان از گزارش‌ها نیز آموزش کافی فراگیرند [۱۶]. شیما و یانگ معتقدند که کشورهایی که جمعیت آن‌ها از تحصیلات بالایی برخوردار می‌باشد می‌بایست برای تأمین نیازهای اطلاعاتی آنان سیستم‌های حسابداری پیچیده‌تری و دقیق‌تری وجود داشته باشد [۲۳]. براین اساس، این کشورها نیاز به استانداردهای پیچیده‌تر و کامل‌تری خواهند داشت.

فرهنگ: فرهنگ بیانگر ارزش‌ها نگرش‌های ایجادشده توسط جامعه می‌باشد. متغیرهای فرهنگی زیربنای سیستم‌های قانونی و سایر سازوکارهای نهادی کشورها می‌باشند. از دیدگاه هافستد چهار بعد فرهنگ ملی یا ارزش‌های اجتماعی عبارت‌اند از فاصله قدرت، فردگرایی در برابر جمع‌گرایی، مرد گرایی در برابر زن

گرایی، اجتناب از عدم اطمینان [۱۷]. بسیاری از نویسندگان از نتیجه پژوهش هافستد در حوزه حسابداری استفاده کرده‌اند.

فاصله قدرت: کشورهایی که دارای فاصله قدرت بالا هستند، بسیار متمرکز بوده و نقش مدیران و کارکنان به‌وضوح تعریف شده است، درحالی‌که کشورهای دارای فاصله قدرت پایین غیرمتمرکز می‌باشند. از این دیدگاه، در کشورهای دارای فاصله قدرت بالا، سیستم حسابداری در جهت توجیه اقدامات و تصمیمات افراد و نیروهای دارای قدرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی به دستورالعمل‌های حسابداری نظام‌مند و ساختاریافته از قبیل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیاز می‌باشد لذا کشورهای دارای فاصله قدرت بالا تمایل زیادی به پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند [۱۳].

فردگرایی در برابر جمع‌گرایی: کشورهای جمع‌گرا به دلیل استفاده از منافع بلندمدت مورد انتظار برای همه افراد جامعه تمایل زیادی به پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند [۱۳].

مرد گرایی در برابر زن گرایی: در یک جامعه مردسالار، ارزش‌های قاطعانه از جمله موقعیت، پول و جسارت غالب است. لذا با توجه به اینکه کشورهای دارای روحیه مرد گرایی، استقلال و اعتمادبه‌نفس بالایی دارند لذا تمایل کمتری به پذیرش استانداردهای حسابداری نهادهای خارجی دارند [۱۳].

اجتناب از عدم اطمینان: در کشورهای دارای اجتناب از عدم اطمینان بالا مدیران از انجام تغییرات در زمینه قوانین و مقررات از جمله استانداردهای حسابداری اجتناب می‌نمایند [۱۳]. این مدیران تمایلی به تغییر از استانداردهای حسابداری فعلی به استانداردهای حسابداری جدید و ناشناخته ندارند. کشورهای دارای اجتناب از عدم اطمینان بالا، قوانین را بر اصول ترجیح می‌دهد، درحالی‌که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبتنی بر اصول بوده و انعطاف‌پذیری بیشتری در گزارشگری مالی دارند.

پیشینه پژوهش

زغال و مدبی (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند که متغیرهای سطح تحصیلات، وجود بازارهای مالی، تشابه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند و همچنین متغیرهای رشد اقتصادی و میزان آزاد بودن تجارت خارجی ارتباط معناداری با پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی ندارند [۲۷].

شیما و یانگ (۲۰۱۲) در پژوهشی دریافتند که عوامل مرتبط با روابط اقتصادی و سیاسی، وابستگی به تأمین مالی خارجی، نظام حقوقی عرفی، نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر و نرخ باسوادی بالاتر سبب افزایش تمایل و همچنین اندازه بازار سرمایه، مالیات و تورم سبب کاهش تمایل بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌گردد [۲۳].

دیما و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافتند وجود نظام حقوقی دارای سازوکار قوی حمایت از سهامداران نقش مهمی در پذیرش کامل دارد [۱۵].

استینبنک (۲۰۱۴) در پژوهشی دریافت که کشورهای آفریقایی به دلیل نرخ رشد بالا و همچنین در کشورهای دارای بازار سرمایه قوی و کشورهایی که به لحاظ فرهنگی با بریتانیا در ارتباط می‌باشند، تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد [۲۵].

نورابی (۲۰۱۵) در پژوهشی دریافت که کمبود فرصت‌های آموزشی در حرفه حسابداری و فساد تأثیر منفی بر اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بنگلادش دارد [۲۱].

پریکوپ (۲۰۱۶) در پژوهشی دریافت که فرآیند پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بیشتر تحت تأثیر عوامل تقلیدی در مقایسه با عوامل هنجاری و اجباری می‌باشد [۲۲].

خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی خود به این نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی تأثیر معکوس و معنادار و آموزش و وجود بازار سرمایه تأثیر مستقیم و معناداری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای در حال توسعه دارند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش درجه باز بودن اقتصاد تأثیر معناداری در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ندارد [۴].

فرضیه‌ها

با توجه به آنچه در بخش مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش بدین شرح مطرح می‌گردد:

فرضیه اصلی ۱: وجود بازار سرمایه بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه اصلی ۲: رشد اقتصادی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه اصلی ۳: باز بودن اقتصاد بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه اصلی ۴: نظام حقوقی عرفی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه اصلی ۵: سطح آموزش بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه اصلی ۶: شاخص‌های فرهنگی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۱-۶: شاخص فاصله قدرت بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۲-۶: وضعیت شاخص فردگرایی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۳-۶: شاخص مرد گرایی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۴-۶: شاخص اجتناب از عدم اطمینان بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف پژوهش کاربردی می‌باشد چراکه در جهت پاسخ به یک مسئله مطرح در دنیای واقعی انجام می‌شود؛ از منظر نوع داده‌ها، پژوهش کمی می‌باشد چراکه شامل گردآوری سیستماتیک داده‌ها و تحلیل آماری آن‌ها می‌باشد؛ از منظر بعد زمانی، پژوهش گذشته‌نگر می‌باشد چراکه از اطلاعات و داده‌های سال‌های قبل برای بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده می‌کند؛ از منظر روش اجرا پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی می‌باشد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش اسناد کاوی یا روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. لذا با مراجعه به کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مبانی نظری و پیشینه پژوهش و داده‌های پژوهش گردآوری گردید. جامعه آماری پژوهش، متشکل از کلیه کشورها و حوزه‌های قضایی جهان در سال ۲۰۱۶ می‌باشد، لذا ابتدا لیست کلیه کشورها و حوزه‌های قضایی بر اساس آمار نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد گردآوری و در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک حجم نمونه آماری در دسترس تعیین گردید؛ بدین صورت که از بین کل جامعه آماری، کشورها و حوزه‌های قضایی که دارای شرایط زیر نبودند، حذف شده و کشورها و حوزه‌های قضایی باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. کشورها و حوزه‌های قضایی که به دلیل عدم عضویت در بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تا سال ۲۰۱۶ شیوه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در آن‌ها در دسترس نیست.

۲. کشورها و حوزه‌های قضایی که داده‌های لازم برای محاسبه متغیرها در آن‌ها تا سال ۲۰۱۶ در دسترس نبوده است.

در نهایت، با اعمال شرایط فوق تعداد ۹۳ کشور برای این پژوهش انتخاب گردیدند. پس از گردآوری داده‌ها، هر متغیر طبق تعریف عملیاتی اشاره شده در پژوهش، محاسبه و پس از آن به منظور شناخت ویژگی‌های این متغیرها شاخص‌های توصیفی آن‌ها مطالعه شد. سپس برای بررسی فرضیه‌ها تحلیل رگرسیون لجستیک دوجمله‌ای انجام شد. از رگرسیون لجستیک دوجمله‌ای زمانی که متغیر وابسته یک متغیر دوحالتی است و متغیرهای مستقل اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای یا ترکیبی از آن‌ها هستند استفاده می‌شود [۳].

مدل و متغیرهای پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش رابطه بین عوامل محیطی و الگوهای مختلف پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها بررسی می‌شود لذا برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل (۱) مورد استفاده قرار گرفته است:

مدل (۱)

$$IFRSAP_{it} = \beta_0 + \beta_1 Bo_{it} + \beta_2 ECO_{it} + \beta_3 OE_{it} + \beta_4 LS_{it} + \beta_5 EL_{it} + \beta_6 CULPDI_{it} + \beta_6 CULIDV_{it} + \beta_6 CULMAS_{it} + \beta_6 CULUAI_{it} + \varepsilon$$

که در آن، **IFRSAP** الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی؛ **Bo**: وجود بازار سرمایه؛ **ECO**: رشد اقتصادی؛ **OE**: اقتصاد باز؛ **LS**: نظام حقوقی؛ **EL**: سطح آموزش؛ **CULPDI**: شاخص فاصله قدرت؛ **CULIDV**: شاخص فردگرایی؛ **CULMAS**: شاخص مرد گرایی؛ **CULUAI**: شاخص اجتناب از عدم اطمینان می‌باشد.

متغیر وابسته

IFRSAP: بیانگر وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط کشورها می‌باشد. به استناد پژوهش هوب و همکاران [۱۸] و لاسمین [۲۰] کشورها در دو گروه طبقه‌بندی شدند. کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای همه شرکت‌ها الزامی کرده‌اند با کد ۱ و سایر کشورها (کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای برخی شرکت‌ها الزامی یا مجاز و یا کشورهایی که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در آن‌ها غیرمجاز و غیرالزامی می‌باشد) با کد صفر طبقه‌بندی شده‌اند.

متغیرهای مستقل

Bo: بیانگر وجود یا عدم وجود بازار سرمایه در کشورها می‌باشد. به استناد پژوهش زگال و مدبی کشورهای دارای بازار سرمایه با کد یک و کشورهای بدون بازار سرمایه با کد صفر طبقه‌بندی شده‌اند [۲۷].

ECO: میانگین نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵.

OE: شاخص‌های اندازه‌گیری باز بودن اقتصاد می‌باشد که به استناد پژوهش عطر کار روشن و هاشمی [۹] برای اندازه‌گیری آن از مجموع صادرات و واردات تقسیم‌بر تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود.

LS: بیانگر نظام حقوقی کشورها می‌باشد که به استناد پژوهش شیماویانگ [۲۳] از کد ۱ برای کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی و از کد صفر برای سایر نظام‌های حقوقی استفاده می‌شود.

EL: بیانگر نرخ باسواد بزرگسالان (افراد ۱۵ سال به بالا) می‌باشد [۲۳].

CULPDI: بیانگر رتبه فاصله قدرت کشورها می‌باشد.

CULIDV: بیانگر رتبه فردگرایی کشور می‌باشد.

CULMAS: بیانگر رتبه مرد گرایی کشور می‌باشد.

CULUAI: بیانگر رتبه اجتناب از عدم اطمینان کشور می‌باشد. به استناد پژوهش‌های چن و همکاران [۱۶] و کلیمنت و همکاران [۱۳] کشورها از ۱ تا ۱۰۰ رتبه‌بندی شده‌اند.

داده‌های توصیفی

محاسبات آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه است که اطلاعات مرتبط با آن‌ها به‌طور خلاصه در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پژوهش	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
رشد اقتصادی	ECO	۲/۰۵	۱/۸۵	۱/۹۱	-۳/۳۹	۷/۳۳
اقتصاد باز	OE	۹۴/۵۹	۷۳/۴۴	۶۹/۷۱	۲۱/۱۲	۴۱۰/۱۷
سطح آموزش	EL	۸۹/۶۲	۹۵/۶۹	۱۵/۶۲	۳۲/۴۳	۱۰۰
فرهنگ	Cul	۵۳/۸۳	۵۴	۹/۱۴	۳۲/۷۵	۷۵/۷۵
فاصله قدرت	CULPDI	۶۳/۵۱	۶۶	۲۱/۶۳	۱۱	۱۰۰
فردگرایی	CULIDV	۳۹/۹۵	۳۰	۲۲/۴۲	۶	۹۱
مردگرایی	CULMAS	۴۶/۸۱	۴۵	۱۸/۹۵	۵	۱۰۰
اجتناب از عدم اطمینان	CULUAI	۶۵/۰۴	۶۵	۲۲/۳۱	۸	۱۰۰

میانگین پرکاربردترین شاخص مرکزی و نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. برای مثال میانگین متغیر رشد اقتصادی برابر با ۲/۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانه متغیر رشد اقتصادی برابر با ۱/۸۵ می‌باشد که بیانگر این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای پژوهش، می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک

از آنجایی که متغیر وابسته یک متغیر باینری یا دوحالتی است که ارزش‌های صفر و یک را می‌گیرد، امکان استفاده از رگرسیون خطی وجود ندارد لذا مدل تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک دو جمله‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در جدول (۲) نشان داده شده است.

آزمون کای دو

برای بررسی معنی‌دار بودن کل مدل رگرسیون لجستیک به جای آماره F از آماره کای دو استفاده می‌شود [۶]. این آزمون نشان می‌دهد آیا متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته اثر دارد یا خیر. فرض صفر این آزمون بیانگر عدم معنادار بودن مدل می‌باشد. در جدول (۲) مقدار آماره کای دو ۵۰٫۷۱۱ می‌باشد که حاصل تفاوت مقدار مدل صفر (مدلی که تنها مقدار ثابت در آن وجود دارد) و مدل نهایی است. از آنجایی که سطح معناداری مشاهده شده (۰/۰۰۰) از سطح خطای آزمون (۰/۰۵) کمتر است، لذا مدل نهایی توانسته

است مدل صفر را بی‌اثر سازد و مدل مناسبی برای پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل باشد در نتیجه حداقل یکی از ضرایب تأثیر برآورد شده معنی‌دار هستند.

ضریب تعیین نگلرک

ضریب تعیین نگلرک نشان‌دهنده میزان وابستگی میان متغیر وابسته و مستقل می‌باشد و همان نقش R^2 را در رگرسیون چند متغیره ایفا می‌کند [۶]. در جدول (۲) ضریب تعیین نگلرک ۰/۳۲ می‌باشد؛ بنابراین مدل برازش شده توانسته است ۳۲ درصد از متغیر وابسته را از طریق تغییرات متغیرهای مستقل تبیین کند. لازم به توضیح است که در مدل‌های رگرسیون لجستیک توان پیش‌بینی در حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد توان مناسبی می‌باشد [۲]. از این رو این مقدار برای مدل مناسب به نظر می‌رسد.

درصد پیش‌بینی کلی مدل

نتایج حاصل جدول (۲) بیانگر این است درصد پیش‌بینی کلی مدل در سطح ۶۸/۸ درصد است. از آنجاکه در روش رگرسیون لجستیک، درصد پیش‌بینی مدل باید بالای ۵۰٪ باشد تا قابل قبول باشد [۲]، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که درصد پیش‌بینی مدل در پژوهش حاضر مناسب است.

جدول ۲. نتایج مدل رگرسیون لجستیک

متغیرها	اندازه‌ی ضرایب	خطای معیار	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت شانس	
وجود بازار سرمایه	۱/۷۵۲	۰/۹۳۲	۳/۵۳۱	۱	۰/۰۴۰	۵/۷۶۶	
رشد اقتصادی	-۰/۲۵۴	۰/۰۹۵	۷/۱۸۶	۱	۰/۰۰۷	۰/۷۷۵	
اقتصاد باز	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۲۹	۱	۰/۸۶۵	۰/۹۹۹	
نظام حقوقی	۱/۱۶۷	۰/۵۸۱	۴/۰۳۶	۱	۰/۰۴۵	۳/۲۱۳	
سطح آموزش	۰/۰۳۲	۰/۰۱۳	۶/۱۰۶	۱	۰/۰۱۳	۱/۰۳۲	
فاصله قدرت	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹	۵/۴۲۰	۱	۰/۰۲۰	۱/۰۲۲	
فردگرایی	-۰/۰۳۰	۰/۰۱۰	۹/۳۳۸	۱	۰/۰۰۲	۰/۹۷۰	
مرد گرایی	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۰	۰/۱۰۰	۱	۰/۷۵۲	۰/۹۹۷	
اجتناب از عدم اطمینان	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	۴/۵۴۲	۱	۰/۰۳۳	۰/۹۸۱	
مقدار ثابت	-۳/۲۲۵	۱/۶۰۸	۴/۰۲۱	۱	۰/۰۴۵	۰/۰۴۰	
درصد پیش‌بینی کلی مدل		۶۸/۸		آماره کای اسکوتر			۵۰/۷۱۱
ضریب تعیین نگلرک		۰/۳۲۰		سطح معنی‌داری			۰/۰۰۰

در جدول (۲) ضرایب تأثیر برآورد شده همراه با نتایج آزمون والد برای بررسی معنی‌داری این ضرایب نشان داده شده است. در رگرسیون لجستیک برای بررسی معنی‌داری ضرایب به جای آماره χ^2 از آماره والد استفاده می‌شود [۳]. تفسیر هریک از ضرایب به ترتیب فرضیه‌های یک الی شش به شرح زیر است:

نتیجه آزمون فرضیه یک: برای متغیر «وجود بازار سرمایه» ضریب $1/752$ به دست آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش به طور متوسط $1/752$ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «وجود بازار سرمایه» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه دو: برای متغیر «رشد اقتصادی» ضریب $-0/254$ به دست آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش به طور متوسط $0/254$ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین «رشد اقتصادی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه سه: برای متغیر «اقتصاد باز» ضریب رگرسیونی معنی‌دار نشده است، بنابراین «اقتصاد باز» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه چهار: برای متغیر «نظام حقوقی» ضریب $1/167$ به دست آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش به طور متوسط $1/167$ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «نظام حقوقی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه پنج: برای متغیر «سطح آموزش» ضریب $0/032$ به دست آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش به طور متوسط $0/032$ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «سطح آموزش» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی اول از اصلی ششم: برای متغیر «شاخص فاصله قدرت» ضریب $0/021$ به دست آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش به طور متوسط $0/021$ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «شاخص فاصله قدرت» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی دوم از اصلی ششم: برای متغیر «شاخص فردگرایی» ضریب $-0/030$ به دست آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش به طور متوسط $0/030$ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین «شاخص فردگرایی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی سوم از اصلی ششم: برای متغیر «شاخص مرد گرایی» ضریب رگرسیونی معنی‌دار نشده است، بنابراین «شاخص مرد گرایی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی چهارم از اصلی ششم: برای متغیر «شاخص اجتناب از عدم اطمینان» ضریب ۰/۱۹- به‌دست‌آمده است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم احتمال پذیرش به‌احتمال عدم پذیرش به‌طور متوسط ۰/۱۹ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین «شاخص فردگرایی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل محیطی کشورها بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد. در این راستا ابتدا ادبیات موضوعی و پژوهش‌های انجام‌شده در این خصوص مطالعه شد. بر این اساس مشخص شد که عواملی مانند وجود بازار سرمایه، رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی، سطح آموزش و شاخص‌های فرهنگی از جمله فاصله قدرت، فردگرایی، مرد گرایی و اجتناب از عدم اطمینان از جمله مهم‌ترین عوامل محیطی هستند که باید اثر آن‌ها بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد. در راستای نیل به هدف پژوهش و بر اساس عوامل محیطی شناسایی‌شده، فرضیه‌های پژوهش باهدف بررسی تأثیر عوامل محیطی بر شکل‌گیری الگوهای گوناگون پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورها جامعه هدف مطرح گردید. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه اول، وضعیت بازار سرمایه بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در این راستا، تأیید فرضیه اول با یافته پژوهش‌های زغال و مدبی [۲۳]، شریف [۲۴]، لاسمین [۲۰] و خدادادی و همکاران [۴] مطابقت دارد؛ بر این اساس می‌توان اظهار داشت؛ احتمال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای دارای بازار سرمایه بیشتر از سایر کشورها می‌باشد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه دوم، وضعیت رشد اقتصادی بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. در این راستا، تأیید فرضیه دوم (به‌صورت رابطه معکوس) با یافته‌های پژوهش زغال و مدبی [۲۷]، لاسمین [۲۰]، شیما و یانگ [۲۳] و استینبک [۲۵] مطابقت ندارد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که احتمال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای دارای رشد اقتصادی پایین نسبت به سایر کشورها بیشتر می‌باشد. این موضوع به دلیل توجه این کشورها به پیامدهای اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از قبیل رشد اقتصادی می‌باشد چراکه رشد اقتصاد جهانی و بین‌المللی شدن جریان تجارت و سرمایه‌گذاری، برخی استانداردهای حسابداری بین‌المللی را می‌طلبد که معاملات، قیمت‌گذاری و تصمیمات تخصیص منابع در سطح بین‌المللی را تسهیل نماید [۵].

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه سوم، وضعیت باز بودن اقتصاد بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا، عدم تأیید فرضیه سوم با یافته‌های پژوهش زغال و مدبی [۲۷] و زهری و چعیبی [۲۶] مطابقت ندارد. این نتیجه اگرچه برخلاف مبانی نظری و انتظارات اولیه نویسندگان می‌باشد اما در چارچوب نظریه نهادگرایی قابل تفسیر می‌باشد. طبق نظریه نهادگرایی ساختار سازمانی رسمی تنها بازتابی از نیازهای تکنیکی نیست، بلکه همچنین به‌وسیله نیروهای نهادی شامل سیستم آموزشی، حرفه‌ها، افکار عمومی و حقوق شکل می‌گیرند. یکی از موضوعات اصلی در نظریه نهادگرایی، بررسی هم‌شکلی سازمانی می‌باشد که در تبیین آن به مفهوم مشروعیت اشاره می‌شود که معتقد است سازمان‌ها ساختار و رویه‌هایی را انتخاب می‌کنند که از نظر اجتماعی و قانونی مشروع و موجه باشد. طبق نظریه نهادگرایی، هم‌شکلی و تناظر نهادی ناشی از فشارهای عوامل اجباری، تقلیدی و هنجاری می‌باشد. عوامل اجباری دربرگیرنده فشارهای سیاسی و اجبار دولت است که نظارت و کنترل تنظیمی را فراهم می‌کند، عوامل هنجاری از تأثیر نیرومند حرفه‌ها و نقش آموزشی ناشی می‌شود و عوامل تقلیدی از پاسخ‌های همیشگی مبتنی بر عادت به شرایط نامعین الهام می‌گیرد [۷]. از دیدگاه اقتصادی، یکی از پیامدهای مهم باز بودن اقتصاد کشور توسعه صادرات و واردات، ورود سرمایه‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی به کشورها می‌باشد که به‌نوعی بیانگر فشارهای خارجی بر کشورها در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد که در نظریه نهادگرایی به‌عنوان عوامل اجباری شناخته می‌شود؛ اما باید توجه داشت در کنار عوامل اجباری، عوامل تقلیدی هم نقش مهمی در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ایفا می‌نماید.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه چهارم، وضعیت نظام حقوقی بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. براین اساس می‌توان اظهار داشت؛ احتمال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی نسبت به سایر کشورها بیشتر می‌باشد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه پنجم، وضعیت سطح آموزش بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در این راستا، تأیید فرضیه پنجم با یافته‌های پژوهش زغال و مدبی [۲۷]، آرچامبالت و آرچامبالت [۱۱]، شریف [۲۴]، لاسمین [۲۰]، شیما و یانگ [۲۳]، زهری و چعیبی [۲۶]، نورابی [۲۱] مطابقت دارد. براین اساس می‌توان اظهار داشت؛ بین سطح تحصیلات شهروندان یک کشور و توسعه سیستم‌های گزارشگری و حسابداری مالی، در آن کشور، رابطه مستقیم وجود دارد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه اصلی ششم و فرضیه‌های فرعی مربوطه، شاخص فاصله قدرت تأثیر مثبت و معنی‌دار، شاخص فردگرایی و اجتناب از عدم اطمینان تأثیر معکوس و معنی‌دار بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند. همچنین شاخص مرد گرایی، بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا، نتایج فرضیه‌های مربوط به شاخص مرد گرایی با یافته‌های پژوهش کلیمنت و همکاران [۱۳] مطابقت دارد و

در زمینه شاخص اجتناب از عدم اطمینان با یافته‌های پژوهش شیما و یانگ [۲۳] مطابقت ندارد. بر این اساس می‌توان اظهار داشت؛ کشورهای دارای فاصله قدرت بالا، فردگرایی پایین (جمع‌گرا) و اجتناب از عدم اطمینان پایین تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند.

به‌طور کلی نتایج پژوهش بیانگر این است که کشورهای گوناگون در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری صرفاً به پیامدهای اقتصادی آن توجه نمی‌کنند بلکه شرایط محیطی کشورها نیز نقش مهمی در همگرایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ایفا می‌نماید. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و تنظیم‌کنندگان مقررات بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد قبل از اتخاذ تصمیم در زمینه همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به شرایط محیطی کشور توجه ویژه‌ای نموده و بسترهای قانونی، حقوقی و آموزشی لازم را فراهم نمایند. همچنین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و سایر شرکت‌های غیر بورسی که به دنبال دستیابی به پیامدهای مثبت اقتصادی ناشی از پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشند می‌بایست توجه داشته باشند که دستیابی به این پیامدها از طریق تعامل این استانداردها و شرایط محیطی کشورها به دست می‌آید. در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش و به‌منظور انجام پژوهش‌های بیشتر پیشنهاد می‌گردد پژوهش حاضر بر اساس مناطق جغرافیایی کوچک‌تر از قبیل کشورهای عضو اتحادیه اروپا، کشورهای آسیایی و کشورهای اسلامی، کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه نیز انجام گیرد. همچنین تأثیر سایر عوامل محیطی از قبیل نرخ تورم، نرخ مالیات، روابط سیاسی، کمک‌های خارجی، عضویت در گروه کشورهای خاص، اندازه کشور و نظام سیاسی نیز بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر همچنین با محدودیت‌هایی مواجه بود. اولین محدودیت پژوهش مربوط به وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط کشورها می‌باشد. از آنجایی که این اطلاعات از وبسایت بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استخراج شده است، امکان تأیید درستی این داده‌ها از طریق مقایسه با سایر بانک‌های اطلاعاتی وجود ندارد. اگرچه برخی مؤسسات مانند موسسه دیلویت نیز اقدام به انتشار گزارشی در مورد وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورها مختلف کرده‌اند اما در اکثر مواقع این نهادها به گزارش‌های یکدیگر ارجاع می‌دهند. دومین محدودیت پژوهش مربوط به نحوه طبقه‌بندی کشورها در زمینه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد. در پژوهش حاضر از روش دوبخشی برای طبقه‌بندی کشورها استفاده شد اما وضعیت‌های پذیرش استانداردها محدود به این روش نیست و در صورت استفاده از روش‌های دیگر، نتایج حاصله با نتایج فعلی متفاوت می‌بود. سومین محدودیت پژوهش مربوط به اندازه‌گیری متغیرهای رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، سطح آموزش شاخص‌های فرهنگی می‌باشد چراکه برای اندازه‌گیری این متغیرها شاخص‌های گوناگونی مطرح می‌باشد که در صورت به‌کارگیری آن‌ها، نتایج حاصله با نتایج فعلی متفاوت می‌بود.

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین؛ سپاسی، سحر؛ احمدیان، وحید. (۱۳۹۶). "فرا تحلیل پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری"، **دو فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی**، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۸۵-۱۳۰.
۲. بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۰). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرسان"، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۸۳-۵۹.
۳. حسینی، سید یعقوب؛ ضیائی، علی‌رضا. (۱۳۹۳). **آمار نا پارامتریک و روش پژوهش**. چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. خدادادی، ولی؛ واعظ، سید علی؛ رودبار شجاعی، علی. (۱۳۹۵). "عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه". **فصلنامه حسابداری مالی**، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۴۲-۱۲۲.
۵. خوش‌طینت، محسن؛ رحیمیان، نظام‌الدین. (۱۳۸۳). "هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری"، **مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال دوم، شماره ۶، صص ۸۳-۱۱۲.
۶. دیان‌تی دیلمی، زهرا. (۱۳۹۵). **روش تحقیق در حسابداری**، چاپ سوم، تهران: انتشارات عدالت نوین.
۷. زارعی، آرمان. (۱۳۹۲). "نهادگرایی جدید جامعه‌شناختی؛ رهیافتی برای تحلیل ثبات و تغییر". **فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی**، سال نوزدهم، شماره ۷۷، صص ۱۶۵-۱۹۳.
۸. ساعی، محمدجواد؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ رستمی، امین. (۱۳۹۶). "بررسی دیدگاه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی در خصوص پذیرش و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی". **فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۶۴-۵۱.
۹. عطر کار روشن، صدیقه؛ هاشمی، زهرا. (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر باز بودن تجارت بر فقر در ایران با رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان". **فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد**، سال سوم، شماره ۱، صص ۲۰۴-۱۸۳.
۱۰. گلریز، حسن. (۱۳۹۰). **فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی**. تهران: فرهنگ معاصر
11. Archambault, J. J. & Archambault, M. E. (2009). "An Analysis of Social Factors Influencing the Adoption of International Financial Reporting Standards of International Financial Reporting Standards". **Journal for Global Business Advancement**, 2(1-2), 38-53.
12. Arpan, J. S. & Radebaugh, L. H. (1985). **International Accounting and Multinational Enterprising**. New York: Wiley.

13. Clements, C. E. Neill, J. D. & Stovall, O. S. (2010). "Cultural diversity, country size, and the IFRS adoption decision". **Journal of Applied Business Research**, 26(2), 115.
14. Dima, S. M. Dima, B. Megan, O. & Paiusan, L. (2014). "A discussion over IFRS'adoption in Islamic countries". **Accounting and Management Information Systems**, 13(1), 35.
15. Dima, B. Dima, S. Moldovan, N. C. & Pirtea, M. G. (2013). "National Legislative Systems and Foreign Standards and Regulations: The Case of International Financial Reporting Standardsadoption". **Economic Research-Ekonomska Istraživanja**, 26(3), 15-30.
16. Hegarty, J. Gielen, F. & Barros, A. (2004). "Implementation of international accounting and auditing standards: Lessons learned from the World Bank" s Accounting and Auditing ROSC Program", World Bank, viewed on 15 Oct 2008. World Bank Group. Google Scholar.
17. Hofstede, G. (1980). **Culture's Consequences**, Sage Publications, Beverley Hills.
18. Hope, O. K. Jin, J. & Kang, T. (2006). "Empirical evidence on jurisdictions that adopt IFRS". **Journal of international accounting research**, 5(2), 1-20.
19. La Porta, R. Lopez-de-Silanes, F. Shleifer, A. & Vishny, R. W. (1997). "Legal determinants of external finance". **The journal of finance**, 52(3), 1131-1150.
20. Lasmin. (2011). "accounting standards internationalization revisit: Managing responsible diffusion". **Procedia - Social and Behavioral Sciences**. 25, 363 -374.
21. Nurunnabi, M. (2015). "The impact of cultural factors on the implementation of global accounting standards (IFRS) in a developing country". **Advances in accounting**, 31(1), 136-149.
22. Pricope, C. F. (2016). "The role of institutional pressures in developing countries. Implications for IFRS". **Theoretical & Applied Economics**, 23(2).
23. Shima, K. M. & Yang, D. C. (2012). "Factors affecting the adoption of IFRS". **International Journal of Business**, 17(3), 276.
24. Sharif, H. P. (2010). "Factors affecting on the Adoption of International Financial Reporting Standards: Iraqi Evidence" (Doctoral dissertation, Universiti Utara Malaysia).
25. Stainbank, L. J. (2014). "Factors influencing the adoption of international financial reporting standards by African countries". **South African Journal of Accounting Research**, 28(1), 79-95.
26. Zehri, F. & Chouaibi, J. (2013). "Adoption determinants of the International Accounting Standards IAS/IFRS by the developing countries". **Journal of Economics Finance and Administrative Science**, 18(35), 56-62.
27. Zeghal, D. & Mhedhbi, K. (2006). "An analysis of the factors affecting the adoption of international accounting standards by developing countries". **The International Journal of Accounting**, 41(4), 373-386.



Impact of the economic, social and cultural environment of countries on the adoption of international financial reporting standards

Mohammad Heydari¹

Department of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Ali Asghar Taherabadi (PhD)²©

Department of Accounting, kangavar Branch, Islamic Azad University, kangavar, Iran

Babak Jamshidinaid (PhD)³

Department of Accounting, Kermanshah branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Mehrdad Ghanbari (PhD)⁴

Department of Accounting, Kermanshah branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

(Received: 13 February 2019; Accepted: 10 April 2019)

The aim of this study is to investigate the effect of environmental factors on international financial reporting standards (IFRS) Adoption across countries. Environmental factors in this study include the existence of capital market, economic growth, economic openness, legal system, education level and cultural indicators such as power distance, individualism, masculinity and uncertainty avoidance. The sample of this study consists of 93 countries in during 2016. Data has been examined using binary logistic regression analysis. The results indicate that countries with a capital market and common law system, as well as countries with a high level of education and power distances and low level of economic growth, individualism and uncertainty avoidance, are more willing to adopt IFRS. Also, the economic openness and masculinity did not significantly affect the acceptance of IFRS.

¹ heydari.hiau@gmail.com

² taherabady@yahoo.com © (Corresponding Author)

³ jamshidinaid@gmail.com

⁴ mehrdadghanbary@yahoo.com

Keywords: IFRS, Economic Growth, Economic Openness, Legal System, Cultural Indicators.